

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور م ، عثمان تره کی- فرانسه

۲۸ نومبر ۲۰۱۲

اعدام اسیران جنگی:

افزار اعمال فشار برای مذاکره مستقیم

اداره کابل به دنبال شکست تلاش برای کشانیدن مخالفین مسلح به مذاکرات مستقیم با خود، دست به حمله بالای اسرای جنگی زد تا از آن به مثابه افزار سهل الاستعمال و بی خطر (!) انتقام و فشار از مقاومت مسلح استفاده کند.

در این جا به چند نکته باید توجه کرد :

- این که امریکا رهبر ائتلاف نظامی بین المللی در جریان ده سال جنگ، مخالفین مسلح را شامل لیست سیاه تروریست ساخت، دلیل قوی درک سیاست مداران آنکشور از حالت اشغال افغانستان و در عین حال شناخت بالقوه مخالفین منحصراً مقاومت بود. با آغاز مذاکره مخفی با مخالفین شناخت بالقوه به شناخت بالفعل و رسمی بدل شده در جریان است.

- مخالفین، به زعم خود، با مساعدت رویداد های پیش آمده و به کمک قوانین بین المللی مدعی دفع اشغال کشور اند و به همین منظور اسلحه برداشته اند. قوانین بین المللی به همه کسانی که با قبول خطر مرگ در دفاع از یک سلسله «معتقدات» (آزادی، حق حاکمیت ملی، اسلام) می جنگند و در چنگ دشمن می افتند، به مثابه «اسیر جنگی» نگاه می کند و آنها را تحت پوشش موازین حقوقی قرار می دهد. سره میاشت بین المللی در استفاده عملی از این حقوق نظارت می نماید.

- از موضع قوانین بین المللی بهره برداری افزاری از اسیر جنگی در تعاملات و چنه زدن های سیاسی یک جنایت است. این جنایت وقتی تکان دهنده می شود که قوتی (زور) که به اتکای آن اسیر کشته می شود نه دارای منشأ داخلی بلکه خارجی باشد. اعدام وقتی شکل ماجراجویانه می گیرد که اعدام کننده از عواقب قتل پس از خروج قوت های خارجی یعنی بعد از، از دست دادن حمایت خارجی، تصویری در ذهن نداشته باشد.

- اعدام اسرای حکومتی به صفت محموله های اشغال (علی رغم فقدان انگیزه های عقیدتی و ارزشی نزد سرباز حکومتی) به دست مخالفین مسلح را نیز می توان در ردیف جنایت جنگی حساب کرد. فقدان زندان برای نگاهداری اسیر، اعدام صحرائی وی را توجیه نمی کند.

- قوانین جنگ غالباً به پهلو های حقوقی نبرد میان دولت ها علاقه می گیرد، نه دولت و ملیشیا. جنگ در افغانستان، در محتوای مقابله ملیشیا مقاومت فاقد بنیه منظم ساختاری با دولت ها مطرح است .

حکومت افغانی و حامیان خارجی هر دو عضویت کانونسین های بین المللی را دارند و ملزم به رعایت احکام قوانین بین المللی اند. این در حالیست که ملیشیا مقاومت جانب امضاء کننده این کانونسیون ها نیست. بناءً مکلفیت دولت در رعایت قوانین جنگ «قاعدہ» و احترام ملیشیا به حقوق جنگ «استثنا» است.

این استثنا به صورت قطع قتل سرباز اجیر حکومتی را با دست آویز نبودن امکان نگاهداشت ، توجیه نمی کند.

- مقاومت مسلح حکومت کابل را محصول تهاجم خارجی می داند که با قبول قربانی های بیشمار علیه آن جنگیده است. مذاکره مستقیم با حکومت به مفهوم شناخت رسمی تولید سیاسی اشغال یعنی حکومت است. این به مفهوم تسلیمی بلا قید و شرط مخالفین به زبر دستی و بدمعاشی قوت های مهاجم خارجی، قبول حالت اشغال و نهایتاً خاک و دود شدن همه قربانی ها تلقی می شود .

بناءً تقاضای حکومت کابل از مخالفین برای مذاکره مستقیم با انگیزه و منطق جنگ از بنیاد در تقابل و تضاد قرار دارد.

طرف های اصلی جنگ امریکا و مقاومت مسلح است. بدون دستیابی توافق روی برخی موضوعات کلیدی میان جوانب اصلی درگیر جنگ، روزنه صلح باز نمی شود. مذاکره با حکومت کابل نه تنها دردی را دوا نمی کند بلکه مبارزه فعلی آزادیخواهی را که مخالفین مدعی آنست در هاله ای از ابهام و پیچیدگی قرار می دهد .

در اجندای مذاکره میان مخالفین مسلح و امریکا موضوعات مهم ذیل شامل شده می تواند :

* اوربند و متارکه

* تنظیم یک پروگرام تداخل مخالفین مسلح در پروسه گذار از حالت جنگ به صلح

* تنظیم تقسیم اوقات خروج قوای خارجی با مطالعه ضرورت یا عدم ضرورت حضور شماری از عساکر امریکا

قبل از سال ۲۰۱۴

* رهائی زندانیان سیاسی از گوانتانامو و محابس داخل افغانستان تحت اداره امریکا

* رسیدگی به جنایات جنگی قوای داخلی و خارجی درگیر جنگ طی ده سال اخیر

* در صورت اثبات این که بالای افغانستان تجاوز صورت گرفته است، پرداخت جبران خساره جنگ

* تأدیة جبران خساره به بازماندگان تلفات ملکی

در حالی که در هیچ یک از فقرات بالا، حکومت کابل دارای صلاحیت تصمیم گیری نیست، پافشاری برای آغاز مذاکره با مخالفین و استفاده افزاری از زندانیان اسیر جنگ مقاصد سیاسی زیر را تعقیب می نماید:

- اعطای شناخت و رسمیت به اداره کابل از جانب مقاومت مسلح و از این طریق تقسیم کرسی های حکومتی

- دستیابی به مصونیت سیاسی و حقوقی و نهایتاً استمرار زندگی سیاسی گروه های جنگی شامل نظام از مجرای داشتن موضع مستحکم در نظام حکومتی.

- جلوگیری از شکل گرفتن یک میکانیزم بازخواست از مسؤولین جنایت و خیانت سه دهه اخیر.

طرفین درگیر در ساحه جنگ تخلفات بیشماری را مرتکب شده اند. عدم توجه به امنیت مردمان ملکی یکی و مهم ترین این تخلفات است. همه به شمول مخالفین مسلح از مسؤولیت در زمینه باید جوابگو باشد.

مقاومت مسلح تا حال در عرصه سیاسی، در دفاع از یک سلسله اصول و ارزش ها موفق بوده است. امتناع از مذاکره با اداره کابل از نظر سیاسی و حقوقی قابل توجیه است. با اینهمه مخالفین مسلح می توانند برای توسعه دامنه

تلاش برای صلح در حواشی نظام با احزاب سیاسی، جامعه مدنی و شخصیت های سیاسی و مذهبی ذی نفوذ به مذاکره بنشینند.» «پایان» ۲۷ نومبر ۲۰۱۲

یادداشت:

به نظر ما از آن جایی که هر دو طرف جنگ در افغانستان یعنی هم اشغالگران و اداره دست نشانده آنها و هم برخی از مزدوران پاکستان که اینک ادعای نمایندگی از مقاومت مسلح را دارند، هیچ یک نمایندگی از منافع آبی و دراز مدت افغانستان نمی کنند، و هریک از آنها جهت تحقق اهداف استعماری خود و باداران شان، خون خلق ما را می ریزند، بدون کدام تمایزی به مثابه جنایتکار جنگی به شمار رفته، اعمال آنها مصداق کامل جنایت علیه بشریت به شمار می رود.

اداره پورتال-AA-AA